

ما يتعلق بالصلاة

نماز

س ۱۳ / في بعض الأحيان أؤدي صلاتي وكأني أشعر بها وكأنها حركات تخلو من الخشوع، وتلاوتي للصور صارت عندي وكأنها مجرد كلمات أنطق بها (أستغفر الله) ولا أشعر بها ولا في تدبرها، الأفكار والتفكير بالمهام تجعلني منسلخ عن الخشوع، بل وحتى أشك بعدد الركعات كثيراً، فهل من سبيل يا سيدي ترشدي إليهِ لتجاوز ما سبق؟
پرسش ۱۳:

گاهی اوقات نماز می‌گزارم در حالی که گویی کلماتی هستند که ادا می‌شود و حرکاتی هستند خالی از خشوع. تلاوت سوره‌ها نیز برایم این‌گونه شده است؛ گویا تنها کلماتی هستند که بر زبان می‌رانم (استغفر الله)، چیزی از آن‌ها حس نمی‌کنم و تدبری در آن‌ها ندارم. افکار و اندیشه‌های کاری، خشوع را از من گرفته تا جایی که بسیاری اوقات در تعداد رکعت‌ها شک می‌کنم. ای آقای من! آیا راهی هست که مرا به آن ارشاد فرماید تا از آنچه گفتم رهایی یابم؟

ج / أكثر من ذكر الله في كل أحوالك وليس فقط في الصلاة.

پاسخ:

در تمامی احوالت و نه فقط در نماز - بسیار یاد خدا باش.

س ۱۴ / إحدى الأخوات تعاني من أفكار سيئة خلال الصلاة وبالأخص قراءة القرآن بل وتخصص سورة يس أكثر شيء؛ تقول لدرجة أنها تخاف تقرأ القرآن لنلاً تأتي مثلاً أفكار عكس الآية، فهل هناك سبيل للتخلص من هذا الأمر؟
پرسش ۱۴:

یکی از خواهران در حین نماز از افکار و اندیشه‌های بدی رنج می‌برد، به‌خصوص در خواندن قرآن و به‌ویژه بیش از همه در سوره یاسین؛ تا آنجا که می‌گوید می‌ترسد قرآن بخواند تا مبادا به‌عنوان مثال افکاری ضد آن آیه به ذهنش خطور کند. آیا راهی برای خلاص شدن از این وضعیت وجود دارد؟

ج / تكثر من ذكر الله وتملاً وقت فراغها بالذكر، بل حتى وقت العمل يمكن أن تلهج بأثنائه بذكر الله بالاستغفار والحمد والشكر والتسبيح.

پاسخ:

بسیار یاد خدا کند و اوقات فراغت را با یاد (ذکر) پُر کند؛ حتی در حین کار کردن نیز می‌تواند با استغفار، حمد، شکر و تسبیح، ثناگوی یاد خدا باشد.

س ۱۵ / سیدی هل يجوز قراءة القرآن أو الأدعية والصلاة وإهداؤها إلى شخص حي؟

پرسش ۱۵:

آقای من! آیا خواندن قرآن، دعاها یا نماز و اهدای آن به شخصی زنده جایز است؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۱۶ / عندما لا أكون على طهارة أقف أمثل الصلاة أمام ابنتي الصغيرة لأنها تصلي معي، ولكني لا أردد أقوال الصلاة، فقط أصلي على محمد وآل محمد أثناء جميع أفعال الصلاة، فهل هذا جائز؟

پرسش ۱۶:

وقتی طهارت ندارم، می ایستم و جلوی دختر کوچکم ادای نماز درمی آورم، چون او با من نماز می خواند؛ ولی من گفته های نماز را تکرار نمی کنم فقط در حین همه کارهای نماز بر محمد و آل محمد صلوات می فرستم. آیا این کار جایز است؟

ج/ جائز.

پاسخ:

جایز است.

س ۱۷ / هل هناك فرق بين قراءة القرآن من المصحف وقراءته من الأجهزة الإلكترونية كالهاتف وغيره من ناحية الأفضلية أو الاستحباب؟ لا سيما وأن هذه الأجهزة تساعد على تنظيم القراءة وترتيب عدد الصفحات باليوم وهي في متناول اليد في كل مكان.

پرسش ۱۷:

آیا فرقی بین قرائت قرآن از مُصحف و قرائت آن از دستگاه های الکترونیکی مثل تلفن و سایر موارد -از نظر بهتر بودن یا استحبابش- وجود دارد؟ به خصوص اینکه این دستگاه ها در تنظیم قرائت و ترتیب عدد صفحات روزانه کمک می کنند و در هر مکانی در دسترس هستند.

ج/ لا فرق.

پاسخ:

تفاوتی وجود ندارد.

س ۱۸ / لدي سؤال يخص الأوقات الشرعية في المناطق القريبة من القطب الشمالي:

سابقاً بعثت بسؤالين فيما يخص الصلاة وأحكامها في المناطق القريبة من القطب الشمالي، واستلمت الرد منكم متفضلين عليّ وعلى الأخوة المؤمنين الساكنين في الدول المحيطة بالقطب الشمالي وأنقذتنا من إحراجات كنا نعاني منها أجمعين قبل دخولنا الدعوة المباركة والحمد لله رب العالمين.

في فصل الصيف يختفي عندنا الفجر بتواريخ متفاوتة وحتى ساعاتها متفاوتة حسب قرب المدينة من القطب أو بعدها، ولهذا سأقتصر على مدينة ستوكهولم/ السويد كمثال. هنا في ستوكهولم عندما يختفي الفجر كنا نمسك قبل شروق الشمس بساعة ونصف في شهر رمضان، وكنا نصلي الفجر في هذه الفترة التي أنتم أحكمتم فيها بما يخص الصلاة في المناطق القريبة من القطب.

ولكن الفجر يطل علينا مرة أخرى عندما تنزل الشمس بأجزاء قليلة أي أعشار الدرجة تحت ١٩ درجة، وسرعان ما تعود أي تكون تحت ١٨ درجة وفوق ١٩ درجة.

فترة الظلام الحاصل هي قليلة جداً كذلك وقد تكون دقيقة واحدة وتزداد الدقائق المظلمة في الأيام التي تلي أول حصول الفجر حقيقي عندنا.

ففي تاريخ (٢٤ من شهر آب / أغسطس) من كل سنة يعود الفجر ثانية، وتلك العودة تكون في (الواحدة و26 دقيقة) صباحاً وتخرج علينا الشمس في نفس التاريخ في (الساعة الخامسة و٢٥ دقيقة)، وهذه المعلومات الدقيقة مستقاة من برنامج إلكتروني عبر النت يبين لنا مسار الشمس وموقعها الفعلي تحت الأفق وكذلك فوق الأفق مع بيان الساعات والدرجات.

الفترة الزمنية بين الطلوعين هي حوالي (أربع ساعات)، وهذه الفترة طويلة نسبياً إن قسناها بالفترة التي تكون بين الطلوعين في الشرق الأوسط مثلاً حيث تكون حوالي ما بين (ساعة وربع - ساعة ونصف).

وهذه الفترة المحصورة ما بين الطلوعين تبدأ بالتقلص يوماً بعد يوم ولكن التقلص ليس سريعاً، فمثلاً في هذا اليوم الذي كتبت رسالتي أي بتاريخ ١٥/٩/٢٠٠٩ كان الفجر عندنا في الساعة (الثالثة و٩ دقائق) وكان خروج الشمس في الساعة (السادسة ودقيقة واحدة).

فما زال الفاصل الزمني بعد كل هذه المدة هو كبير أي (ساعتين و٥٢ دقيقة)، وهذه الفترة ما زالت كبيرة قياساً للفترة الواقعة بين الطلوعين في الشرق الأوسط.

فسوآلی وسؤال عدد من الأخوة أنصار الله الذين أيدوني بكتابة الرسالة وطرحها عليكم مولانا كي تحكمه علينا هو:

هل بمجرد نزول الشمس تحت ١٩ درجة تكفي لتحقق الفجر حتى لو كانت الفترة الزمنية بين الطلوعين كبيرة نسبياً؟

وهل يجوز لنا أداء صلاة الفجر في بداية تلك الفترة والإمساك لمن أراد أن يصوم في ذلك اليوم؟ وهل هذه الفترة الواقعة بين الطلوعين الطويلة نسبياً هي فترة شرعية وإن طالت قياساً بتلك التي تحدث في الشرق الأوسط مثلاً؟

پرسش ١٨:

پرسشی در خصوص اوقات شرعی در مناطق نزدیک به قطب شمال دارم: بیشتر دو سؤال در مورد نماز و احکام آن در مناطق نزدیک به قطب شمال فرستادم و با تفضلی که بر من و برادران مؤمن ساکن در کشورهای پیرامون قطب شمال نهادید، از شما پاسخ را دریافت نمودم و ما را از دشواری‌هایی که همگی مان پیش از وارد شدن به دعوت از آن‌ها رنج می‌بردیم رهایی بخشیدید؛ و الحمدلله رب العالمین.

در فصل تابستان در تاریخ‌های متفاوتی فجر از ما مخفی می‌شود و حتی ساعات آن با توجه به نزدیک یا دور بودن شهر به قطب متفاوت می‌شود، به همین دلیل به عنوان مثال- به شهر استکهلم سوئد بسنده می‌کنیم. اینجا در استکهلم هنگامی که فجر مخفی می‌شود (قابل تشخیص نیست) یک ساعت و نیم پیش از طلوع آفتاب در ماه رمضان امساک می‌کنیم، و نماز صبح را در آن مدتی که شما در فصل نماز مخصوص به مناطق نزدیک به قطب بیان فرمودید به جا می‌آوریم.

اما بار دیگر هنگامی که خورشید اندکی یعنی چند دهم درجه کمتر از زاویه ١٩ درجه است، فجر برای ما ادامه می‌یابد و به سرعت بازمی‌گردد، یعنی زیر ١٨ درجه و بالای ١٩ درجه.

طول زمان تاریکی واقعاً کوتاه است و تنها بالغ بر یک دقیقه می‌شود و در روزهایی که در ادامه به دست آمدن فجر حقیقی برای ما پیش می‌آید این دقایق تاریکی طولانی‌تر می‌گردد.

در تاریخ ٢٤ اوت یا آگوست (معادل مرداد شمسی) هر سال فجر دوم بازمی‌گردد و این بازگشت ساعت یک و بیست و شش دقیقه صبح است و در این تاریخ خورشید ساعت پنج و بیست و پنج دقیقه برای ما طلوع می‌کند. این اطلاعات از طریق برنامه اینترنتی که مسیر حرکت خورشید و موقعیت فعلی آن در زیر افق و همچنین بالای افق بایبان ساعت و دقیقه بیان می‌کند به دست آمده است.

مدت زمان بین دو طلوع حدود چهار ساعت است و این مدت را اگر با مدت زمان بین دو طلوع به عنوان مثال در منطقه خاورمیانه که حدود یک ساعت و ربع تا یک ساعت و نیم است- مقایسه کنیم نسبتاً طولانی خواهد بود.

این مدت زمان بین دو طلوع، روز به روز شروع به کوتاه شدن می‌کند اما این کوتاه شدن سریع نیست؛ مثلاً امروز که من نامه‌ام را می‌نویسم یعنی ۹/۹/۲۰۱۵ - فجر ما در ساعت سه و نه دقیقه و طلوع آفتاب در ساعت شش و یک دقیقه است. همواره فاصله زمانی مثل همین مدت یعنی دو ساعت و پنجاه و دو دقیقه - بزرگ است و این مدت همواره در مقایسه با مدت زمان بین دو طلوع در خاورمیانه زیاد است.

پرسش من و پرسش تعدادی از برادران انصار که من را برای نوشتن این نامه و مطرح نمودن آن برای شما مولایمان - یاری داده‌اند تا حکم آن را بر ما روشن فرمایی:

آیا صرفاً پایین آمدن خورشید تا زیر ۱۹ درجه برای محقق شدن فجر کفایت می‌کند، حتی اگر مدت زمان بین دو طلوع نسبتاً زیاد باشد؟ و آیا ادا کردن نماز صبح در ابتدای این مدت و امساک کردن کسی که می‌خواهد در این روز روزه بگیرد، برایمان جایز است؟ و آیا این مدت واقع شده بین دو طلوع نسبتاً طولانی همان مدت شرعی است؟ حتی اگر در مقایسه با آنچه مثلاً در خاورمیانه واقع می‌شود به نسبت طولانی باشد؟

ج/ إذا ثبت الفجر الشرعي بالضيء المستعرض بالأفق فلا يضر بصحته كون شروق الشمس بعده بفترة ثلاث ساعات أو أكثر أو أقل، وإذا طلع الفجر دخل وقت صلاة الفجر وكذا يمسك من أراد الصيام، وبالنسبة لذكر الزاوية ۱۹ درجة لتحديد الفجر فهي حل لمن يعجز تماماً عن ترقب الفجر ولو لفترة معينة في السنة ليحدد الزاوية التي يطلع معها الفجر الصادق، أما مع إمكان الترقب وتحديد زاوية الفجر ولو لفترة معينة - حتى وإن كان لمدينة أخرى - فتعتمد الزاوية التي يتم الحصول عليها من الترقب.

پاسخ:

اگر فجر شرعی با نور گسترده شده در افق ثابت شد، طلوع خورشید بعد آن به مدت سه ساعت یا بیشتر یا کمتر به آن آسیبی نمی‌رساند، و هنگامی که فجر طلوع کند وقت نماز صبح وارد شده و همین‌طور کسی که می‌خواهد روزه بگیرد امساک می‌کند. در مورد زاویه ۱۹ درجه که برای تشخیص فجر بیان کردم، این راه حل برای کسی است که به هیچ وجه نمی‌تواند فجر را رصد کند حتی اگر برای مدت معینی در سال باشد تا زاویه‌ای که با آن فجر صادق طلوع می‌کند را مشخص کند، اما با وجود امکان رصد کردن و تشخیص زاویه هر چند در زمان معینی حتی اگر در شهر دیگری هم باشد - بر زاویه‌ای که از طریق رصد کردن به دست آمده است اعتماد می‌شود.

س ۱۹ / بعد قراءة السؤال رقم ۳۴۵ من الجواب المنير الجزء الرابع تبين أن أذان فجر العامة يكون قبل طلوع الشمس بـ ۹۰ دقيقة وهو الفجر الصادق عند يمانی آل محمد (عليهم السلام). فما هو الحكم الشرعي فيمن أكل بعد أذان العامة معتقداً أن الفجر الصادق بعد أذانهم بـ 20 دقيقة ثم اتضح أنهم كانوا يأكلون بعد الفجر الصادق متأولين جهلاً أو معتقدين جهلاً؟

پرسش ۱۹:

پس از مطالعه پرسش شماره ۳۴۵ از پاسخ‌های روشن‌گر جلد ۴ روشن شد که اذان صبح اهل سنت، ۹۰ دقیقه پیش از طلوع خورشید است که همان فجر صادق از نظر یمانی آل محمد (عليهم السلام) هست. اکنون حکم شرعی کسی که پس از اذان اهل سنت می‌خورد و معتقد بوده فجر صادق، بیست دقیقه پس از اذان آن‌ها است و سپس روشن شد که آن‌ها پس از فجر صادق می‌خوردند و این کارشان از روی جهل و نادانی بوده است، چیست؟

ج/ السؤال فيه كلام غير دقيق منسوب لي وهو أنني أقول إن الفجر الصادق قبل طلوع الشمس بتسعين دقيقة، فأرجو قراءة جوابي في الجواب المنير بدقة فقد رتبت الأمر في جوابي: (وبالنسبة لوقت الفجر فإن كان بالإمكان ترقبه ومعرفته من علامته التي بينتها في الشرائع فيها، وإلا فهو عندما تكون الشمس 19 درجة تحت الأفق، وإن لم يمكن هذا فهو قبل الشروق بساعة ونصف أي 90 دقيقة). وعموماً مسألة ترتيب وقت الفجر بناءً على زاوية الشمس يمكن التوصل له بسهولة، فهناك برامج على الأنترنت ويمكن من خلالها بسهولة ويسر معرفة وقت الفجر في المكان الذي أنتم فيه، هذا إذا عجزتم عن تحديد الوقت بناءً على الترقب كما بينت في الجواب أعلاه، ومسألة الـ (90 دقيقة) فهي حكم عام ينتفع منه من اضطر إليه كما بينت الأمر في أحكام صلاة وصيام القطب وما حوله.

پاسخ:

در پرسش، عبارتی وجود دارد که دقیق نیست و به بنده نسبت داده شده است؛ اینکه من گفته‌ام فجر صادق نود دقیقه پیش از طلوع خورشید است. امیدوارم پاسخ مرا در کتاب پاسخ‌های روشن‌گر با دقت مطالعه کنی. موضوع را در پاسخم رتبه‌بندی نموده‌ام:

در خصوص وقت صبح، اگر امکانش برایت وجود دارد با علامت‌هایی که در کتاب شرایع شرح داده‌ام، تحقیق کن؛ در غیر این صورت هنگامی است که خورشید در ۱۹ درجه زیر افق قرار گرفته باشد و اگر این نشد، یک ساعت و نیم یعنی ۹۰ دقیقه پیش از طلوع هست.

به‌طور معمول رسیدن به مسئله ترتیب وقت فجر بنا بر زاویه خورشید به راحتی امکان‌پذیر است. برنامه‌هایی در اینترنت وجود دارد که به راحتی و به آسانی از طریق آن‌ها می‌توان وقت فجر را در مکانی که شما در آن هستید، دانست. این روش برای هنگامی است که از فهمیدن وقت با استفاده از دیدن همان‌طور که در پاسخ بالا بیان کردم- ناتوان باشید. مسئله ۹۰ دقیقه، حکمی عمومی است که کسی که در اضطرار قرار دارد از آن استفاده می‌کند؛ همان‌طور که مسئله را در مورد احکام نماز و روزه در قطب و اطرافش بیان نمودم.

أما بخصوص السؤال عمّن تحرّى وقت الفجر بجد واجتهاد وهو غير مستخف بالحكم الشرعي ولكنه بالنتيجة توصل إلى وقت ظني تبين له لاحقاً أنه خطأ، فلا إشكال في صلاته وصيامه طالما أنها مضت ومضى وقت أدائها.

اما در مورد پرسش از کسی که با تلاش و جدیت، وقت صبح را به دست آورده و در مورد حکم شرعی کوتاهی نورزیده، ولی در نهایت به وقتی ظنی رسیده که بعداً برایش مشخص شده که اشتباه کرده است، در نماز و روزه اش اشکالی نیست؛ البته تا زمانی که مربوط به گذشته است و وقت انجام دادنش گذشته باشد.

س ۲۰ / سیدی فقهاء الضلال غیروا القبلة على الناس وتاهت علينا ! عند ذهابنا إلى مراقد الأئمة الطاهرين تفاجئنا بتغير اتجاه القبلة نحو اليمين بزاوية 30 درجة تقريباً ! وعندما سألناهم قالوا: القبلة القديمة كانت غير صحيحة والمراجع اكتشفوا أنها خطأ ! ماذا نفع، بأي اتجاه نصلي؟

پرسش ۲۰:

آقای من! فقهای گمراه قبله را تغییر داده و ما را سرگردان کرده‌اند! وقتی به مرقد های ائمه اطهار می‌رویم با تغییر قبله به مقدار تقریباً ۳۰ درجه به سمت راست روبه‌رو می‌شویم! وقتی از آن‌ها می‌پرسیم می‌گویند: قبله قدیم صحیح نبود و مراجع فهمیده‌اند که آن قبله اشتباه بوده است! ما چه کنیم؟ به چه سمتی نماز بخوانیم؟

ج/ وجهت "الهيئة الشرعية" لتدقيق القبلة في مراقد الأئمة والأماكن المقدسة، وإن شاء الله يبسر الله أمورهم لتدقيقها وإعلان أي خلل فيها إن وجد.

پاسخ:

«هیئت شرعی» برای دقیق کردن قبله در مرقد های ائمه و اماکن مقدس انتخاب شده‌اند، و ان شاء الله خداوند کارهایشان را برای دقیق کردن و اعلان هرگونه خللی در آن -اگر یافت شود- آسان می‌گرداند.

س ۲۱ / هل يجوز الاجتزاء بالأذان الذي يرفع من خلال التلفزيون إذا كان موافقاً للتوقيت المحلي للمدينة أو يسبقه بدقيقة أو يتأخر عنه بعض الشيء؟
پرسش ۲۱:

آیا بسنده کردن به اذانی که از تلویزیون پخش می‌شود، جایز است؛ البته اگر اذان موافق با وقت محلی شهر باشد یا یک دقیقه از آن جلوتر یا مقداری از آن عقب‌تر باشد؟

ج/ يجوز الاجتزاء بالأذان إذا كان في وقت الصلاة، ولكن الأفضل لكم أن تؤذنوا.

پاسخ:

اگر در مورد وقت نماز باشد، بسنده کردن به آن جایز است؛ ولی برای شما بهتر است اذان را خودتان بگویید.

س ۲۲ / أنا مصاب بمرض الربو، في بعض الأحيان وأثناء أداء الصلاة أعاني من نوبة ربو حادة بحيث يصعب عليّ أداء الصلاة بشكلها الاعتيادي إلا مع معاناة شديدة، هل يجوز لي استخدام (بخاخ الربو) أثناء الصلاة؟
پرسش ۲۲:

من به بیماری تنگی نفس دچار هستم و گاهی در حین بهجا آوردن نماز دچار تنگی نفس شدیدی می‌شوم به طوری که بهجا آوردن نماز به شکل معمول آن برایم دشوار می‌گردد مگر با درد و رنج فراوان. آیا می‌توانم در حین نماز «اسپری تنگی نفس» استفاده کنم؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۲۳ / ما حكم الصلاة تحت السقف الذي استعمل تحته حشيش مخدر؟

پرسش ۲۳:

حكم نماز خواندن در زیر سقفی که زیرش ماده مخدر استعمال شده است چیست؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۲۴ / امرأة تصلي وأثناء الصلاة تنتبه بأن شيئاً من بدنها قد كُشف، هل صلاتها صحيحة أم باطلة؟
پرسش ۲۴:

زنی نماز می‌خواند و در حین نماز متوجه می‌شود که مقداری از بدنش هویدا شده است. آیا نمازش صحیح است یا باطل؟

ج/ تغطيه، وصلاتها صحيحة.

پاسخ:

آن را می‌پوشاند و نمازش صحیح است.

س ۲۵ / هل يصح أن أقضي صلاة يوم مثلاً نيابة عن عدة أشخاص أموات بأن أنوي صلاة الصبح والظهرين والعشاءين قضاء عن والدي وأخواني الأموات بنية واحدة؟
پرسش ۲۵:

آیا صحیح است که نماز یک روز را مثلاً به نیابت از چند شخص مرده قضا کنم؟ اینکه نیت کنم که نماز صبح، ظهر و عصر، و مغرب و عشا را به قضای والدین و برادران مرده‌ام با یک نیت به‌جا آورم؟

ج/ الصلاة الواحدة لا تصح نيابة عن أكثر من ميت. نعم، إذا كنت تريد إهداء ثوابها فيمكن أن تهدي ثواب الصلاة الواحدة لأكثر من ميت.
پاسخ:

یک نماز به نیابت بیش از یک‌مرده صحیح نیست؛ اما اگر (فقط) می‌خواهی ثواب آن را اهدا کنی می‌توانی ثواب یک نماز را به بیش از یک‌مرده اهدا نمایی.

س ۲۶ / هل يجوز الصلاة في القطار وهو في حالة حركة مستمرة؟

پرسش ۲۶:

آیا نماز خواندن در قطار در حالی که در حرکت مستمر است - جایز است؟

ج/ نعم تجوز الصلاة في القطار أو الطائرة أو أي وسيلة نقل.

پاسخ:

بله؛ نماز در قطار، هواپیما یا هر وسیله نقلیه جایز است.

س ۲۷ / يسأل بعض الأخوة في كادر قناة المنقذ العالمي حول حكم الكلام أثناء خطبتي الجمعة باعتبار أن بعض التوجيهات من الكونترول أو بين المصورين لا يمكن إيصالها بالإشارة فيضطرون للكلام فيما بينهم؟

پرسش ۲۷:

برخی از برادران در کادر شبکه «المنقذ العالمي» (منجی بشریت) در مورد حکم سخن گفتن در حین دو خطبه نماز جمعه می پرسند؛ در این خصوص که برخی از راهنمایی ها از اتاق فرمان یا فیلم بردارها را نمی توان با اشاره رساند و در نتیجه مجبور به سخن گفتن با یکدیگر می شوند.

ج/ يجوز الكلام للضرورة لكن بأقل ما يمكن ومع توخي الحذر في التأثير على الآخرين.

پاسخ:

در صورت وجود ضرورت، سخن گفتن جایز است، ولی به کمترین حد ممکن و با قصد تأثیر نگذاشتن بر دیگران.

س ۲۸ / شخص سیسافر يوم الجمعة ۱۸ / ۹ / ۲۰۱۵ الساعة ۸ لیلاً ويرجع الساعة ۶:۵۰ لیلاً في يوم الأحد ۲۷ / ۹ / ۲۰۱۵، فهل يقصر في صلاته أم لا؟ لأن المجموع بالمجمل ۱۰ أيام، لكن المجموع بالساعات هو ۸ أيام و ۲۳ ساعة، فهل يتم الحساب على عدد الساعات كعادة المرأة، أم بحسب عدد الأيام بالمجمل؟ وفي حال أراد أن يقطع مسافة فقط لغرض القصر (أو ضم لهذه النية عمل آخر)، فما هو حكمه؛ سواء كان متعمداً أو جاهلاً بأصل الحكم؟

پرسش ۲۸:

شخصی در روز جمعه ۱۸/۹/۲۰۱۵ ساعت ۸ شب به مسافرت می رود و ساعت ۶:۵۰ شب در روز شنبه ۲۷/۹/۲۰۱۵ برمی گردد. آیا نمازش شکسته است یا خیر؟ زیرا مجموع روزها ۱۰ روز است، ولی این مجموع با توجه به ساعتها ۸ روز و ۲۳ ساعت هست. آیا حساب برحسب تعداد ساعتها است مثل عادت زنانه یا صرفاً برحسب تعداد روزها؟ و در صورتی که بخواهد طی مسافت را فقط به قصد شکستن انجام دهد (یا به همراه نیت دیگری) حکمش چیست؟ چه از روی عمد باشد یا از اصل حکم بی اطلاع باشد؟

ج/ المسافر إذا أقام في مكان عشرة أيام فأكثر يتم صلاته وصيامه، ويحتسب اليوم الأول كيوم إقامة إن وصل إلى البلد الذي ينوي الإقامة فيه قبل زوال الشمس، ولا يحتسبه إن وصل بعد الزوال. ولا بد أن ينوي البقاء إلى ما بعد زوال اليوم العاشر كأقل تقدير، وإلا فلا يحتسب نفسه مقيماً في ذلك البلد لغرض إتمام الصلاة والصيام.

پاسخ:

اگر مسافر در مکانی ده روز یا بیشتر اقامت کند نماز و روزه اش تمام می‌شود و چنانچه به شهری که در آن نیت اقامت کرده پیش از زوال خورشید (نیمروز) رسیده باشد روز اول را مانند روز اقامت محسوب می‌کند، و اگر بعد از زوال رسید آن را به حساب نمی‌آورد، و باید حداقل تا ماندن بعد از زوال (نیمروز) روز دهم نیت کرده باشد، در غیر این صورت او از نظر تمام بودن نماز و روزه در این شهر، مقیم به حساب نمی‌آید.

س ۲۹ / أنا أعمل في مكان أقطع المسافة الشرعية خمسة أيام بالأسبوع داخل البلاد حيث إنني أتم الصلاة والصيام. والآن أنا في إجازة وأريد السفر خارج البلاد، فهل كذلك ينطبق علي حكم (كثير السفر) أثناء سفري لمدة أسبوع إقامة بالخارج؟
پرسش ۲۹:

من درجایی کار می‌کنم که پنج روز در هفته در شهرها طی مسافت شرعی می‌کنم به طوری که نماز را تمام می‌خوانم و روزه می‌گیرم. اکنون در مرخصی هستم و می‌خواهم به خارج از شهر سفر کنم. آیا در این سفرم که به مدت یک هفته اقامت در خارج شهر است حکم «کثیر السفر» بر من منطبق می‌شود؟

ج/ تبقى تتم في كل أحوالك طالما أنك لم تعرض عن حالك السابق، وهذه المسألة تجد جوابها وتفصيلها في أجوبة فقهية أجبتها سابقاً.
پاسخ:

تا زمانی که وضعیت پیشینت را تغییر نداده‌ای در همه حال بر حکم تمام بودن باقی می‌مانی. می‌توانی پاسخ این مسئله و جزئیاتش را در پاسخ‌های فقهی که پیشتر بیان کرده‌ام، بیابی.

س ۳۰ / بالنسبة لحد الترخص هناك مناطق يوجد في أطرافها بيوت متفرقة ومعامل ثلج أو مخازن أو ما شابه وتمتد لمسافة ليست بقصيرة، هل تعتبر هذه الأبنية من ضمن المدينة؟
پرسش ۳۰:

در مورد حد ترخص، جاهایی هستند که در اطراف آن‌ها خانه‌های پراکنده یا کارخانه‌های یخ‌سازی یا انبار یا نظایر آن‌ها وجود دارند و تا مسافتی که کوتاه هم نیست امتداد می‌یابند. آیا این ساختمان‌ها جزو شهر به حساب می‌آیند؟

ج/ تعتبر امتداد للمدينة إذا لم يحصل انقطاع بينها وبين المدينة.

پاسخ:

اگر میان آن‌ها و شهر انقطاعی (فاصله‌ای) وجود نداشته باشد، امتداد شهر به محسوب می‌شوند.

س ۳۱ / هل يجوز عندما أصلي صلاة الفريضة الواجبة عليّ أن أشرك معي في ثوابها وأجرها شخص ميت؟ مثلاً أنوي أن أصلي صلاة الظهر نيابة عني وعن والدي المتوفي بنفس الوقت، وكذا بالنسبة للنوافل؟ وإن كان لا يجوز ذلك في الفرائض وكنت فعلت ذلك سابقاً في فرائضي، فهل تجب عليّ الإعادة؟
پرسش ۳۱:

آیا وقتی نماز واجبی به‌جا می‌آورم، جایز است شخص مرده‌ای را در ثوابش و اجرش با خودم شریک گردانم؟ مثلاً نیت کنم که به نیابت از خودم و پدر مرحومم در همان وقت نماز ظهر را بخوانم؟ و همین‌طور در مورد نوافل؟ و اگر این کار در انجام فرایض جایز نباشد و پیش‌تر این کار را در فرایض انجام داده باشم، آیا اعاده بر من واجب است؟

ج / يجوز أن تهدي ثواب الفريضة التي تصليها للميت، ولكن لا يجوز أن تهدي الفريضة أو تشارك بها.
پاسخ:

می‌توانی ثواب فریضه‌ای که می‌خوانی را به مرده اهدا کنی، ولی جایز نیست که فریضه را اهدا کنی یا آن را با کسی شریک گردی.

* * *